



## مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۱۷ - چهارشنبه ۷ مهر ۱۳۷۸

### سرمقاله

((برنامه سوم توسعه))

درببروی همین پاشنه خواهد چرخید؟

### یادداشت

زمان ایستادگی است!

با صدور یک حکم بی سابقه روزنامه نشاط برای همیشه تعطیل و مدیرمسئول آن به دو سال و نیم زندان محکوم شد

به بهانه چاپ یک نمایشنامه در نشریه دانشجویی ((موج)) با حمایت آشکار روحانیون بزرگ محافظه کار برنامه گسترده ای برای سرکوب آزادی ها به جریان افتاده است

محافظه کاران با تصویب قوانین ضددموکراتیک تازه ای به استقبال انتخابات مجلس ششم می روند

بازی رفسنجانی با انتخابات همچنان ادامه دارد

سردبیر روزنامه اخبار اقتصاد:

قانون مطبوعات از بیخ و بن در حال تغییر است

به دنبال اظهارات جدید روح الله حسینیان صورت گرفت: اعترافات و افشاگری های تکان دهنده درباره قتل دهها تن از مخالفین توسط وزارت اطلاعات

۲۱ نفر از دانشجویان در تبریز به زندان محکوم شدند

وزارت اطلاعات: ((گروه ها)) در حادثه کوی دانشگاه دخالت نداشته اند

اطلاعیه کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محمدعلی جواهری سندیکالیست قدیمی درگذشت

با کار تماس بگیرید

## سرمقاله

### ((برنامه سوم توسعه))

### در بر روی همین پاشنه خواهد چرخید؟

((باید از نزدیک کمبودها را دید و باور کرد که برخی از مردم در مناطق محروم شهر از پرداخت یک اسکناس ۵۰ تومانی ناچیز نیز عاجزند)). این اعتراف یکی از مسئولین یکی از مدارس جنوب شهر، در آستانه شروع سال تحصیلی جدید و جوهی است که به عناوین مختلف از دانش‌آموزان اخذ می‌کنند. اکثریت بزرگ ۱۹ میلیون دانش‌آموزی که سال تحصیلی تازه را آغاز کرده‌اند، همراه با خانواده‌های خود برای رسیدن به اول مهر از معبر عظیمی از مشکلات عبور کرده‌اند که چه بسا اثرات آن تا چندین ماه دیگر نیز در بودجه ناچیز خانوادگی آن‌ها باقی بماند. شرایط مشقت‌بار زندگی اکثریت مردم ایران در جمهوری اسلامی به داستان ملالت‌بار و خسته‌کننده‌ای تبدیل شده است که متأسفانه سال‌هاست تکرار می‌شود و هیچ مقام و مسئولی نیز به فکر چاره‌جویی اساسی آن برنیامده است.

در این شرایط است که آقای خاتمی برنامه سوم توسعه اقتصادی را به مجلس برده است. رئوس اصلی این برنامه، مثل همه برنامه‌ها و راهکارهایی که در حکومت ارایه می‌شود، البته بسیار امیدوارکننده است. مطابق این برنامه، قرار است سالی ۸۰۰ هزار شغل فراهم شود، رشد اقتصادی کشور به ۶ درصد بالغ شود، رقم صادرات غیرنفتی به میزان قابل‌قبولی برسد، سرمایه‌های خارجی جلب شود و... اما از اخبار پیداست، بر سر سمت‌گیری که قرار است این برنامه داشته باشد، در دولت و میان هواداران آقای خاتمی اختلاف‌نظرها و کشاکش‌های پیدا و پنهانی وجود داشته است و در آستانه ارایه این برنامه، فشار جناح چپ حکومت برای برکناری محسن نوربخش، رییس بانک مرکزی و یکی از طراحان اصلی سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی آشکار شد که به نتیجه نرسید و وی در مقام خود مجدداً ابقا شد.

سمت‌گیری اصلی این برنامه همان است که در دوران ((سازندگی)) آقای رفسنجانی و مطابق توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دنبال شد. جلب سرمایه‌های خارجی، میدان دادن به رقابت اقتصادی بدون دست بردن به ساختار به شدت ناعادلانه اقتصادی و اجتماعی کشور و حتی عمیق‌تر کردن این ساختار ناعادلانه رئوس اساسی چنین سمت‌گیری بوده است. مسئولان و طراحان اصلی اقتصادی دولت جدید و برنامه سوم، همان‌هایی هستند که سیاست‌های دوران سازندگی را پی‌ریزی و اجرا کردند و در این زمینه هیچ تغییر قابل‌ملاحظه‌ای بعد از روی کار آمدن دولت دوم خرداد صورت نگرفته است. جناح چپ حکومت ظاهراً یا نتوانسته و یا نخواسته است سمت‌گیری اصلی این برنامه را تغییر دهد و تنها اصلاحاتی در آن در جهت توجه بیشتر به مساله عدالت اجتماعی و فقر زدایی بسنده کرده است که پشتوانه اجرایی آن نیز مشخص نیست. کمتر کسی در ایران امید دارد که تصویب برنامه سوم توسعه اقتصادی نیز تحرک تازه و امیدبخشی در جریان اقتصاد کشور به وجود آورد. بیش از یک سال پیش بود که برنامه سامان‌یابی اقتصادی با سرو صدای فراوانی که تنها چند هفته طول کشید به جامعه عرضه شد و وعده داده شد که گام‌های اساسی در جهت سامان‌یابی اقتصاد بیمار و بحران‌زده برداشته شود. این وعده‌ها را امروز دیگر نه کسی تکرار می‌کند و نه به یاد می‌آورد. دو سال بی‌توجهی دولت آقای خاتمی به مسایل اقتصادی کشور و معیشت مردم، اکنون وضع را به جای خطرناکی کشانده است. محافظه‌کاران و دشمنان آزادی مدت‌هاست که متوجه این حقیقت شده و استراتژی خود را بر همین پایه تنظیم کرده‌اند و به حمایت از خواست‌های معیشتی توده مردم پرداخته‌اند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که در عرصه سیاسی قادر به رقابت با جریان اصلاح‌طلبی در ایران نیستند، اما بر زمینه بی‌توجهی دولت به مشکلات معیشتی مردم، این امکان را می‌توانند داشته باشند که توده‌های مردم ناراضی از فقر و تنگدستی و بحران اقتصادی را با وعده‌های تسکین‌دهنده به سوی خود جلب کنند و در برابر برنامه‌های توسعه سیاسی قرار دهند. دولت و هواداران آن تاکنون تنها کاری که در این زمینه کرده‌اند، آن بوده که کوشیده‌اند این حمایت دروغین مرتجعین از خواست‌های مطالباتی مردم را افشا کنند. اما اگر حمایت‌ها و دلسوزی‌های مرتجعین از خواست‌های معیشتی توده مردم دروغین باشد که هست، خود این خواست‌ها که دروغین نیست و راه‌حل‌های فوری می‌طلبد.

بسیاری از اصلاح‌طلبان به خود و توده مردم چنین امید می‌دهند که با ((تسخیر)) مجلس ششم و کسب اکثریت در آن، راه ایران به سوی دموکراسی و پیشرفت هموار خواهد شد، اما واقعیت این است که مردم نه به وعده‌ها که به برنامه‌ها چشم دوخته‌اند. در این کسی تردید ندارد که مرتجعین که بازار و بنیادهای عظیم مالی و اقتصادی را در اختیار دارند، در بحران اقتصادی ایران نقش بسیار مهم و مخربی دارند، اما آیا تاکنون کسی در مورد مقابله با این نقش مخرب و برنامه‌های اصلاح‌طلبانه به منظور دست‌کم کاهش این نقش، چیزی از دولت و هواداران آن شنیده است؟ آیا این انتظار غیرواقعی است که مردم ایران مثلاً در جریان انتخابات مجلس ششم، از جمله شاهد ارایه برنامه‌های اقتصادی باشند که اصلاح‌طلبان می‌خواهند پس از کسب اکثریت در مجلس به اجرا بگذارند؟ پیش‌بینی ما این است که چنین برنامه‌هایی ارایه نخواهد شد، زیرا اساساً وجود ندارد. دولت آقای خاتمی متأسفانه بعد از دو سال نتوانسته است هیچ سمت‌گیری اقتصادی امیدوار کننده و دموکراتیکی را اتخاذ کند. در این بی‌توجهی البته اصلاح‌طلبان حکومتی تنها نبوده‌اند و مجموعه آزادی‌خواهان ایران و حتی چپ عدالت‌خواه نیز پس از دوم خرداد تحت تأثیر حدت تضادهای سیاسی، مساله اقتصاد و معیشت مردم را به درجه دوم برده‌اند.

در این واقعیت هیچ تردیدی نیست که بدون اصلاحات سیاسی، کشور ما نمی‌تواند در زمینه اقتصادی نیز چشم‌انداز امیدبخشی داشته باشد، اما سوی دیگر این واقعیت این است که بدون تغییر محسوس در زندگی توده مردم، بسیار دشوار

است که آنان را به دفاع از توسعه سیاسی کشاند و از آنان در این راه پایداری و ایستادگی طلبید. طی هشت سال ((دوران سازندگی)) و همچنین دو سال اخیر، اختلافات طبقاتی در کشور ما چنان رشد کرده که بدون تعدیل و مهار آن، انفجار اجتماعی غیرقابل اجتناب خواهد بود. این نخستین واقعیتی است که هر برنامه اقتصادی باید مورد نظر قرار دهد. هیچ برنامه و سمت‌گیری که بخواهد به موفقیت‌های اقتصادی ظاهری و حتی دست‌آوردهای دراز مدت بسنده کند و فکری به حال تعدیل شکاف‌های هولناک طبقاتی نکند و دردهای ناشی از آن را التیام نبخشد، در ایران چشم‌اندازی نخواهد داشت. از همین روست که نخست باید چنین سمت‌گیری را پذیرفت و آن‌گاه کار تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی را به دست متخصصینی سپرد که به آن اعتقاد دارند. چنین برنامه‌ای بی‌هیچ تردیدی با قشر انگلی بازار و قشری که از طریق قدرت سیاسی بر منابع اقتصادی و مالی کشور چنگ انداخته است و امکانات عظیمی را از طریق تشکیل انواع و اقسام بنیادها در چنگ خویش متمرکز کرده است، رو در رو قرار خواهد گرفت. ما همانگونه که قبلاً نیز بر این واقعیت تاکید کرده‌ایم، اعتقاد داریم در این زمینه علاوه بر برنامه روشن اقتصادی، اراده‌ای لازم است که متأسفانه در اصلاح‌طلبان حکومتی تاکنون دیده نشده است. جناح چپ این جناح، که دارای گرایش‌ات عدالت‌طلبانه است، متأسفانه هنوز نتوانسته است، از نظر اقتصادی حرف و برنامه روشنی ارائه نماید و خود را از زیر سایه سنگین تئوریسین‌ها و مجریان ((دوران سازندگی)) بیرون بیاورد. بیرون کشیدن اقتصاد ایران از زیر نفوذ بازار و انواع و اقسام بنیادهایی که شکل داده است، قبل از هر چیز یک اقدام سیاسی است که تهوری بسیار می‌طلبد. هر گاه چنین اراده‌ای شکل گیرد و جریان آزادی را به درون اقتصاد نیز جاری کند و حق تولیدکنندگان را نیز در مشارکت بپذیرد و امکان مشارکت آن‌ها را در امور تولید و امور اقتصادی فراهم کند، آن‌گاه می‌توان امیدوار بود که کشور ما جهت‌گیری صحیح و مناسب اقتصادی خود را یافته است.

در چنین شرایطی است که برنامه سوم توسعه اقتصادی دولت آقای خاتمی، هیچ چشم‌انداز امیدبخشی ارائه نمی‌دهد و این نگرانی را همچنان باقی نمی‌گذارد که آیا سرنوشت توسعه سیاسی، سرانجام در برابر بحران اقتصادی قربانی خواهد شد؟

## یادداشت

### زمان ایستادگی است!

چهار تن از دانشجویانی که در تظاهرات تیرماه دستگیر شده بودند به اعدام محکوم شده‌اند. بنا به گزارش‌های غیر رسمی دو تن از محکومین به اعدام از رهبران حزب ملت ایران هستند. در واکنش به صدور حکم اعدام علیه بازداشت شدگان وقایع دانشگاه که خبر آن را دو هفته پیش رهبرپور رئیس دادگاه انقلاب اسلامی مطرح کرد، هم رئیس جمهور و هم آیت‌الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه که به تازگی جایگزین محمد یزدی شده است، اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. خاتمی رئیس جمهور و شاهرودی رئیس قوه قضائیه در مصاحبه مطبوعاتی جداگانه گفته‌اند از صدور حکم اعدام علیه دانشجویان پس از چاپ مصاحبه رهبرپور باخبر شده‌اند. ابطی رئیس دفتر خاتمی و هادی مروی معاون اجرایی رئیس قوه قضائیه هم این سخنان را تکرار کرده‌اند. مروی معاون رئیس قوه قضائیه به خبرنگاران گفته است: ((من هم مانند شما و بسیاری از مردم از طریق مصاحبه آقای رهبرپور از موضوع مطلع شدم. لیکن از کم و کیف پرونده اطلاع دقیقی ندارم)). لابد رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه انتظار دارند مردم اظهار بی‌اطلاعی آنان از صدور حکم اعدام دانشجویان را بپذیرند. شاید هم آنان واقعا از رای دادگاه انقلاب بی‌خبر بودند. ولی چرا بی‌خبر؟ آیا مردم حق دارند از رئیس جمهور که خود را مسئول اجرای قانون اساسی می‌داند و حتی کمیته‌ای برای پیگیری اجرای قانون اساسی تشکیل داده است، بپرسند چرا از آنچه که در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی می‌گذرد بی‌خبر است؟ آیا صدور حکم اعدام برای کسانی که برای دفاع از آزادی به پا خاستند آغاز آن طوفانی نیست که مشاور رئیس جمهور در روزنامه صبح امروز از آن خبر داده است، طوفانی که دست‌آوردهای دوم خرداد را هدف قرار داده است؟ شاید برخی واکنش رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه را چنین تفسیر کنند که آنان با اظهار بی‌اطلاعی از صدور حکم اعدام دانشجویان، نمی‌خواستند بر سخنان رهبرپور صحنه بگذارند و به این شکل مخالفت خود را با رای دادگاه انقلاب بیان کرده‌اند. حتی ممکن است برخی این خبر را نیز چاشنی استدلال خود کنند که خاتمی در دیدار با خامنه‌ای ((شفاعت)) دانشجویان را طلبیده و خواستار عفو آنان شده است. در مخالفت خاتمی با حکم اعدام دانشجویان جای شبهه نیست. سخن بر سر شیوه برخورد او با اوضاع طوفانی کشور است.

اما از واکنش شاهرودی رئیس قوه قضائیه در قبال صدور احکام اعدام دانشجویان، مردم ارزیابی دیگری دارند. در نگاه مردم، شاهرودی قدم در جای پای محمد یزدی گذاشته و در قوه قضائیه که هم‌چنان زیر نفوذ گسترده هیات مولفه است در بر همان پاشنه پیشین می‌چرخد. سخنان دلجویانه شاهرودی در برخورد با دانشجویان و دعوت وی به ((آرامش))، آن روی سکه‌ای است که بر آن تصاویر حسینیان، رهبرپور و لطفیان فرمانده نیروی‌های انتظامی نقش بسته است. در عمل سیاستی پیش می‌رود که امروز به خط سعید امامی معروف شده است. سعید امامی رفته و جای او را رهبرپورها و مرتضوی‌ها گرفته‌اند. قتل‌های زنجیره‌ای پائیز سال گذشته، بستن روزنامه‌ها، یورش به دانشگاه‌ها، صدور حکم اعدام برای دانشجویان مخالف و انتشار خبر آن در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها، دستگیری دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در نخستین روزهای آغاز سال تحصیلی توسط وزارت اطلاعات و اعلام علنی آن برای مرعوب کردن دانشجویان و بالاخره حکم سنگین و خلاف انتظار علیه روزنامه نشاط و تعطیل همیشگی آن، همه از یک سرچشمه آب می‌خورند و عاملان آن یک هدف را دنبال می‌کنند: بازگرداندن ایران به

دوران پیش از دوم خرداد.

دشمنان آزادی در رسیدن به این هدف شوم حاضرند به هر تبهکاری و جنایتی دست بزنند. صدور حکم اعدام برای فعالان تظاهرات دانشجویی و آرامش‌طلبی جناح راست هر دو وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف. آرامش‌طلبی شاهرودی رئیس قوه قضائیه و وعده‌های او هم چهره‌ای از این سیاست است. به این وعده‌ها اگر با عمل همراه نباشد نمی‌توان اعتماد کرد. وقتی که صداها دانشجوی در بند هستند و وزارت اطلاعات آنان را برای خاموش کردن صدای اعتراض سایر دانشجویان، مردم و مطبوعات به گروگان گرفته است، در شرایطی که رهبرپور در دادگاه انقلاب و مرتضوی در دادگاه مطبوعات بر مسند قضاوت نشستند و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب زیر نفوذ هیات متلفه است مردم به وعده‌ها نمی‌توانند اعتماد کنند.

هیچ تضمینی وجود ندارد که جریان محافظه‌کار در روزهای آینده برای انتقام شکست‌های خود و هراساندن مردم، دانشجویان را قربانی نکند. به این دشمنان کینه‌جوی آزادی نباید فرصت انتقام‌کشی داد و در دام توطئه ((آرامش طلبی)) افتاد. درک محافظه‌کاران از ((آرامش))، تحمیل سکوت بر مخالفان به ویژه دانشجویان و مطبوعات است. درک آنان از آرامش آن است که دادگاه‌های حکومت اسلامی دانشجویان را به اعدام و زندان محکوم کنند، روزنامه‌ها را برای همیشه تعطیل کنند، روزنامه‌نگاران را به زندان بیاندازند و مخالفین ((آرامش)) را حفظ کنند. به این سکوت نباید تن داد. چنین آرامشی نه در خدمت آزادی و نه به نفع اصلاح‌طلبان حکومتی است.

باید با صدای رسا و با توسل به همه اشکال مسالمت‌آمیز مبارزه در جهت آزادی بدون قید و شرط کسانی که در وقایع دانشگاه و در ارتباط با آن دستگیر شده‌اند بدون در نظر گرفتن عقیده و تعلق گروهی آنان اقدام کرد. خطر مرگ دانشجویان در بند را باید به گوش مردم ایران و جهان رساند. باید مردم ایران و جهان بدانند خطر اعدام عده‌ای از دستگیرشدگان وقایع دانشگاه یک خطر واقعی است. باید به ایران و جهان با صدای هرچه رساتری فهماند که دشمنان آزادی در ایران کمر به نابودی مطبوعات، روزنامه‌نگاران، منتقدین و مخالفین بسته‌اند. باید به مردم امکان داد و به آن‌ها یاری کرد به اعتراض و مقابله با این توطئه شوم برخیزند.

## با صدور یک حکم بی‌سابقه روزنامه نشاط برای همیشه تعطیل و مدیرمسئول آن به دو سال و نیم زندان محکوم شد

لطیف صفری مدیر مسئول نشاط از محمد خاتمی خواست برای لغو ((حکم غیرقانونی)) تعطیلی نشاط مداخله کند

در فضای ملتهب و رعب‌آوری که روحانیون محافظه‌کار و مقامات بلندپایه جناح محافظه‌کار به راه انداختند، سعید مرتضوی، عضو هیات متلفه و قاضی دادگاه مطبوعات در یک اقدام شتاب‌زده، روزنامه نشاط را برای همیشه تعطیل و لطیف صفری مدیر مسئول آن را به دو سال و نیم زندان و پنج سال محرومیت از شغل خویش محکوم ساخت. این حکم در شرایطی صادر شد که هنوز دادگاه این روزنامه پایان نیافته و به انبوهی از ((اتهامات)) رسیدگی نشده است.

شتاب در صدور این حکم از یک سو به این دلیل صورت گرفت تا خواست محافظه‌کاران قبل از انتخاب هیات منصفه جدید مطبوعات تحقق یابد و از سوی دیگر به دلیل فضایی که به‌بهانه انتشار یک نمایشنامه در یک نشریه دانشجویی ایجاد شده است، امکان اعتراض هر چه محدودتر شود.

بنا به حکم دادگاه مطبوعات، لطیف صفری به اتهام توهین و اهانت به احکام اسلام به تحمل یک سال حبس، به اتهام تحریک دانشجویان و مردم به اغتشاش و اعتصاب و بر هم زدن امنیت داخلی نیز به تحمل یک سال حبس محکوم شده است. توهین و اهانت به فرمانده کل نیروهای انتظامی و توهین و اهانت به نمایندگان مجلس، موارد دیگر محکومیت لطیف صفری هستند. در دادگاه ۷۴ فقره اتهام علیه روزنامه نشاط طرح شده بود. دادگاه، پروانه و امتیاز روزنامه نشاط را به طور دائم لغو کرد. بنا به گزارش ایرنا، احکام فوق فقط مربوط به بخشی از اتهامات است و دادگاه برای رسیدگی به سایر موارد اتهامی همچنان مفتوح می‌باشد و به تشکیل هیات منصفه جدید مطبوعات موکول شده است.

### شمس‌الواعظین: مرز ندانی کنید!

به گزارش روزنامه صبح امروز ماشالله شمس‌الواعظین سردبیر نشاط بعد از شنیدن خبر حکم، در حالی که صدایش از شدت تأثر می‌لرزید، به خبرنگار این روزنامه گفت: بنده می‌خواهم از طریق روزنامه محترمانه از مراجع قضایی درخواست کنم که نام متهم را از لطیف صفری به ماشالله شمس‌الواعظین تغییر دهند، من آمادگی کامل دارم که به جای ایشان ۳۰ ماه زندان را بدون درخواست تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی تحمل کنم. ظاهراً مقامات قضایی با درخواست آقای شمس‌الواعظین برای زندانی شدن موافقت کرده‌اند، اما نه به جای لطیف صفری! روزنامه‌های روز دوشنبه این هفته خبر دادند که ماشالله شمس‌الواعظین سردبیر نشاط نیز به دادگاه مطبوعات احضار شده و احتمال بازداشت او وجود دارد.

### علیزاده زیر وعده‌هایش زد

شمس‌الواعظین گفت: بنده اعلام می‌کنم که جناب آقای علیزاده رئیس دادگستری استان تهران در سه جلسه سه وعده به اینجانب در حضور چند شاهد دادند: وعده اول چاپ توضیحی قبل از توقیف روزنامه در مورد مقاله حسین باقرزاده بود، که ایشان قول حل مشکل را دادند. وعده دوم (در حضور چهار شاهد) این بود که ایشان قول دادند تا تشکیل رسمی دادگاه رفع

توقیف کنند و به شاهدان و بنده شیرینی این توافق را هم تعارف کردند. وعده شوم این بود که ایشان قول نسبتاً قطعی دادند که در صورتی که دادگاه با حضور هیات منصفه تشکیل شود، رای دادگاه تا رسیدگی نهایی به همه پرونده‌های اتهامی صادر نخواهد شد و اگر صادر شود هم به زیان شما نخواهد بود. ایشان البته در هر سه مورد تصریح کردند که تحت فشارند.

### نامه لطیف صفری به محمد خاتمی

لطیف صفری مدیر مسئول روزنامه نشاط بعد از صدور حکم سنگین دادگاه، نامه‌ای خطاب به محمد خاتمی رییس‌جمهور نوشت. در پایان این نامه سرگشاده آمده است: از حضرت‌عالی انتظار داریم به حکم وظیفه‌ای که در اصل ۱۱۳ قانون اساسی بر عهده شما گذاشته شده است، در حمایت از درخواست ما از رئیس محترم قوه قضائیه بخواهید، دستور فرمایند: ۱- حکم توقیف غیرقانونی روزنامه نشاط لغو شود که خسارت‌های ناروا بر این روزنامه بیشتر از این ادامه نیابد. ۲- به تمامی اسناد محاکمه و پرونده‌های روزنامه نشاط با حضور هیات منصفه جدید توسط یک قاضی خبره بی‌طرف رسیدگی شود. حکم شدید دادگاه، این امید و انتظار اصلاح‌طلبان را که قوه قضائیه تحت ریاست هاشمی شاهرودی، روش دیگری در پیش گیرد، فعلاً نقش بر آب کرده و این نگرانی را دامن زده است که به زودی نوبت به سایر روزنامه‌های اصلاح‌طلب خواهد رسید. در محافل مطبوعاتی و سیاسی ایران، پیش‌بینی می‌شود به زودی تعرض محافظه‌کاران برای تعطیل دو روزنامه عمده باقی‌مانده اصلاح‌طلب؛ صبح امروز و خرداد؛ آغاز شود.

## به بهانه چاپ یک نمایشنامه در نشریه دانشجویی ((موج)) با حمایت آشکار روحانیون بزرگ محافظه‌کار برنامه گسترده‌ای برای سرکوب آزادی‌ها به جریان افتاده است

در یک نشریه دانشجویی به نام ((موج))، یک نمایشنامه سه پرده‌ای به نام ((کنکور، وقت ظهور)) به چاپ رسید که یک دانشجو به طور خیالی با امام زمان هم‌کلام شده و گفتگو کرده است.

چاپ این نمایشنامه در نشریه‌ای که بنا به نوشته روزنامه‌های تهران، تنها ۱۵۰ نسخه تیراژ دارد، موجب موج لجام‌گسیخته‌ای علیه دانشجویان و ((توهین‌کنندگان به دین)) شده است. این موج لجام‌گسیخته به پشتتازی روزنامه کیهان تهران به راه افتاد. این روزنامه در شماره روز پنجشنبه گذشته خود، سخنان آیت‌الله فاضل لنکرانی را با بزرگ‌ترین تیتراژ به چاپ رساند که: ((اهانت به امام زمان قابل تحمل نیست!)). کیهان در سرمقاله همان روز خود مسئولین را تهدید کرد که ((باید قبل از خروش مردم، دستی از آستین همت برآرند و کاری کنند)).

نمایشنامه مذکور، به موضوع نماز جمعه بسیاری از شهرهای کشور در هفته گذشته تبدیل شد. احمد جنتی امام جمعه موقت تهران بخش عمده خطبه‌های خود را به این موضوع اختصاص داد. به گزارش روزنامه خرداد، جنتی در حالی که به شدت مردم را تحریک کرده بود و گریه می‌کرد، گفت: ای کاش این حادثه پخش نمی‌شد، این‌ها برای ما مصیبت است و از داغ جوان برای مردم ما تلخ‌تر است.

در قم، آیت‌الله جوادی آملی نیز بخش مهمی از سخنان خود را به این نمایشنامه اختصاص داد و گفت: ملت برای همیشه نمی‌تواند نسبت به این گونه توهین‌ها و اهانت‌ها بی‌تفاوت بماند و راهی جز اعتراض وجود ندارد. حزب‌الله این شهر پس از نماز جمعه دست به راهپیمایی زد و تهدید کرد که به این ((گستاخی)) پاسخ خواهد داد. بنا به برخی گزارش‌ها، تبلیغات وسیعی در این شهر صورت گرفته است و حزب‌الله سیاه‌پوش شده و عزای عمومی اعلام کرده است.

سازمان تبلیغات اسلامی نیز روز جمعه گذشته اطلاعیه‌ای منتشر کرد و نمایشنامه مندرج در نشریه موج را ((محکوم)) و مردم را به ((اعتراض مسالمت‌آمیز)) دعوت کرد! مجمع تشخیص مصلحت نظام روز شنبه به این نمایش رعب‌آور پیوست و با صدور بیانیه‌ای خواستار ((اقدام قاطع مسئولان ذیربط در مقابل این هتاک‌ها و حرمت‌شکنی‌ها)) شد. این از موارد کم‌نظیری است که مجمع تشخیص مصلحت رژیم به طور مستقیم و آشکار، به کارزار علیه آزادی پیوسته است. صدور بیانیه‌های تهدیدآمیز همچنان ادامه دارد. حوزه علمیه و جامعه مدرسین قم، دهها آیت‌الله، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی، با صدور بیانیه‌ای این ((توطئه)) را محکوم کرده و خواهان ((برخورد)) با عاملان آن شده‌اند.

همزمان با تهدیدات روحانیون، وزارت اطلاعات دو نفر از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی امیرکبیر را دستگیر کرد. در اطلاعیه این وزارتخانه آمده است که این دو تن به جرم توهین به ((ساحت مقدس ولی عصر)) دستگیر شده‌اند. شورای فرهنگی دانشگاه مزبور نیز نشریه موج، وابسته به انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر را که این نمایشنامه در آن چاپ شده است، توقیف کرد. مسئولین قضایی و امنیتی اعلام کرده‌اند دانشجویان دستگیر شده بعد از کشف ((انگیزه‌هایشان)) محاکمه خواهند شد.

در حالی که مرتجعین می‌کوشند با تحریک کردن احساسات مذهبی مردم، زمینه فشارهای بیشتری علیه آزادی‌ها را فراهم آورند، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، با صدور اطلاعیه‌ای از ((جریحه‌دار شدن احساسات دینداران و مومنان)) عذرخواهی کرد و از دانشجویان خواست در مقابل هرگونه تحریک ایستادگی کرده و با حفظ نظم و آرامش، توطئه خشونت‌طلبان را خنثی کنند. اعضای این انجمن در سفری به قم، با آقایان نوری همدانی، صانعی و موسوی اردبیلی دیدار

کردند و پرسش مکتوبی را در برابر فاضل‌لنکرانی، که روزنامه کیهان از قول او مردم را به ((واکنش)) فرا خوانده بود، قرار دادند. لنکرانی در پاسخ به این پرسش گفت که منظورش از ((واکنش))، تنش و تشنج نیست و حفظ آرامش امروز از ((اوجب واجبات)) است. با این حال، اقدامات هماهنگ و سازمان‌یافته مرتجعین پیرامون این واقعه، از برنامه جدی آنان برای ایجاد رعب در دانشجویان و دانشگاه‌ها در اولین روزهای بازگشایی دانشگاه‌ها خبر می‌دهد.

## محافظه‌کاران با تصویب قوانین ضددموکراتیک تازه‌ای به استقبال انتخابات مجلس ششم می‌روند

جناح محافظه‌کار حکومت اسلامی دو گام تعیین‌کننده دیگر در تدارک حفظ اکثریت خود در مجلس ششم برداشت. نخست آنکه شورای نگهبان، ماده واحده‌ای را که با توافق دولت و مجلس تهیه شده بود و در آن شورای نگهبان موظف شده بود دلایل رد صلاحیت کاندیدها را کتبا به آنان اعلام کند، رد کرد. دلیل شورای نگهبان برای این مخالفت خود، ((اشاعه فحشا)) در صورت اعلام دلایل رد نامزدها اعلام شد!

مورد دوم پیشروی جناح راست، افزودن باز هم بیشتر بر اختیارات شورای نگهبان در انتخابات مجلس بود. به موجب مصوبه اخیر مجلس، شورای نگهبان می‌تواند به تشخیص خود، وزارت کشور را وادار به برکناری فرمانداران و بخشدارانی کند که از نظر شورای نگهبان در جریان انتخابات مرتکب ((تخلف)) شوند. این مصوبه در مجلس ۸۷ رأی موافق و ۸۲ رأی مخالف آورد، یعنی باز هم مانند زمانی که نظارت استصوابی به تأیید مجلس رسید، ۹۰ نماینده غایب یا ممتنع بودند. حضور فقط شش نماینده دیگر طرفدار دولت خاتمی کافی بود تا مانع تصویب این گسترش بی‌سابقه اختیارات شورای نگهبان گردد. اما غیبت ۹۰ عضو مجلس، نشان داد به اصطلاح نمایندگان مردم، در حساس‌ترین موارد مربوط به سرنوشت کشور، تا چه حد وظیفه‌شناس‌اند. موارد قبلی رأی‌گیری نظیر رأی اعتماد به وزرای مورد استیضاح جناح راست، نشان داده است که ((جبهه دوم خرداد)) در مجلس بیش از ۸۲ رأی دارد. معلوم نیست هنگام بررسی قانون حساسی مانند قانون انتخابات مجلس، مابقی نمایندگان ائتلاف دوم خرداد کجایند و چه کار مهم‌تری دارند. اینان که در برابر پیشروی ((قانونی)) جناح محافظه‌کار اینچنین منفعل و بی‌علاقه‌اند، چگونه می‌خواهند مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشانند و اکثریت مجلس را از دشمنان دوم خرداد بگیرند؟ مخالفت شورای نگهبان با همان میزان ناچیز از اصلاح ((نظارت استصوابی)) که به اعلام دلایل رد صلاحیت کاندیدهای مجلس از سوی شورای نگهبان محدود شده بود، بار دیگر وعده‌های دورغین شورای نگهبان و سرجنابانان محافظه‌کاران در مورد ((عدم استفاده جناحی)) از نظارت استصوابی را نشان داد. اکنون دیگر هوش زیادی لازم نیست تا هر کس دریابد شورای نگهبان در انتخابات آتی مجلس نظارت استصوابی و حذف گسترده مخالفین جناح محافظه‌کار را با شدت تمام به مرحله اجرا خواهد گذارد. این اقدام گستاخانه، همراه با تصمیمات تازه‌ای که اکثریت مجلس برای تصرف ضددموکراتیک مجلس ششم گرفته است و قرار است بگیرد، بی‌ثمر بودن تاکتیک سازش و نرمش در برابر این دشمنان آزادی را نشان داد.

اکنون، از نتایج توافق دولت خاتمی با مجلس، چیزی نمانده است. امتیاز ناچیزی که دولت از محافظه‌کاران گرفته بود لغو شد و بر اختیارات شورای نگهبان در انتخابات مجلس باز هم افزودند! اکنون شمشیر داموکلس برکناری توسط شورای نگهبان بالای سر همه مسئولان اجرایی انتخابات در سراسر کشور است. بدیهی است که چشم‌انداز از دست دادن پست و مقام، بسیاری از فرمانداران و بخشداران را بر آن خواهد داشت که مطابق میل شورای نگهبان عمل کنند.

در حالی که برخی از نیروهای ائتلاف دوم خرداد به توافق با بخشی از جناح راست در انتخابات مجلس امید بسته‌اند و کماکان مشغول سرهم کردن لیست‌های ائتلافی برای تهران‌اند، شورای نگهبان به پشتیبانی اکثریت مجلس، کمر همت بسته است در سراسر ایران چنان شرایطی فراهم کند که اکثریت نمایندگان، باز هم از این جناح باشند. در میان مخالفان دوم خرداد، مشی تسخیر مجدد اکثریت مجلس است که دست بالا را دارد نه توافق با طرفداران خاتمی. در این شرایط اگر اصلاح‌طلبان حکومتی همچنان به ائتلاف با جناح فقاهتی حکومت دل ببندند، نتیجه‌ای جز از دست دادن باز هم بیشتر مواضع و واگذاری کرسی‌های مجلس آینده به دشمنان دوم خرداد عایدشان نخواهد شد. به جای امید بستن به بده و بستان با محافظه‌کاران، اصلاح‌طلبان حکومتی باید از هم‌اکنون با دشمنان برنامه دوم خرداد و توسعه سیاسی مرزبندی کنند و تاکتیک آن‌ها را که جلوگیری از قطب‌بندی شدن بیشتر گرایش‌های موجود و تداخل لیست‌های انتخاباتی است خنثی کنند.

نیروهای ائتلافی طرفدار دوم خرداد به این دل بسته‌اند که با افزودن بر تعداد کاندیدهای خود در حوزه‌های انتخابیه، مانع حذف همه آن‌ها شوند. این تاکتیک هر چند می‌تواند تا حدودی موثر باشد، اما به هیچ وجه تضمین‌کننده پیروزی در انتخابات مجلس نیست. شورای نگهبان نشان داده است از رد صلاحیت هزاران نفر نیز ابا و شرمی ندارد.

برای رویارویی آشکار با اقداماتی که شورای نگهبان قصد انجام آن را دارد، هنوز هم دیر نیست. اصلاح‌طلبان به دلیل در پیش گرفتن مشی توافق در مجلس، نتوانستند مانع تصویب قوانینی شوند که کار را بر همه نیروهای مخالف استبداد و انحصار در مجلس سخت و سخت‌تر کرده است. اما می‌توان در جامعه فضا و شرایطی به وجود آورد که تبغ برای فقهای شورای نگهبان را تا حد ممکن کند کند. این میسر نخواهد شد مگر با ایجاد فضای اعتراضی گسترده علیه شورای نگهبان و حذف کاندیدها در کشور. اگر محافظه‌کاران احساس کنند حذف هر کاندیدی می‌تواند به موج اعتراضی گسترده‌ای تبدیل شود، نخواهند توانست با کاندیدهای نمایندگان در مجلس آن کنند که می‌خواهند.

متأسفانه اقداماتی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است، به هیچ روی تامین کننده چنین فضایی نیست. از هم اکنون به جای دل بستن به ((عدالت)) فقهای شورای نگهبان، باید به یک نبرد جدی با آن برخاست و به این خوگامکان فهماند اقدامات ضددموکراتیک آنان بی‌پاسخ نخواهد ماند.

## بازی رفسنجانی با انتخابات همچنان ادامه دارد

در حالی که به نظر می‌رسید با موضع‌گیری برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب جناح چپ حکومت، موضوع شرکت رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم منتفی شده است، حسین مرعشی جانشین دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، در آخرین اظهارات خود اعلام کرد وی هنوز در مورد شرکت در انتخابات تصمیم نگرفته است.

موضوع شرکت رفسنجانی در انتخابات که از چندی پیش از سوی محافل نزدیک به کارگزاران عنوان شده بود، با یک مصوبه مبنی بر مستثنی ساختن رئیس مجمع تشخیص مصلحت از استعفا برای کاندیداتوری مجلس، به صورت جدی مطرح شد. مجلس

با این مصوبه محافظه‌کاران تمایل و تلاش خود برای کشاندن پای هاشمی رفسنجانی به انتخابات در مجلس ششم را آشکار کردند. خبرها حاکی است که این تلاش همچنان دنبال می‌شود و محافظه‌کاران با هدف نشان دادن رفسنجانی بر کرسی مجلس، قصد مقابله با ریاست احتمالی اصلاح‌طلبان جناح چپ بر مجلس ششم را کرده‌اند. پیش‌بینی‌ها حاکی از این بود که رفسنجانی در راس فهرست کاندیداهای همه گروه‌ها و جناح‌های حکومتی قرار گیرد و با نشستن بر کرسی ریاست مجلس، ائتلاف تازه‌ای از محافظه‌کاران و کارگزاران را شکل دهد.

اما چند اظهار نظر مخالف از سوی جناح چپ طرفدار خاتمی، که عمده‌ترین آن از سوی سعید حجاریان صورت گرفت، رفسنجانی را با مشکل تازه‌ای مواجه ساخت. سعید حجاریان در سخنانی که آشکار رو به سوی رفسنجانی داشت اعلام کرد جریان دو خرداد هیچ کسی را که در فهرست محافظه‌کاران قرار گیرد، به عنوان کاندیدای خود معرفی نخواهد کرد. استعفای عبدالله نوری از ریاست شورای شهر تهران و به ویژه استقبالی که روزنامه همشهری از کاندیداتوری او در انتخابات مجلس ششم انجام داد و وی را به عنوان نامزد مشترک هواداران دوم خرداد برای ریاست مجلس معرفی نمود، این گمان را تقویت کرد که هاشمی رفسنجانی از شرکت در انتخابات منصرف شده است. پیش از استعفای نوری و بعد از اظهارات حجاریان، خانم فایزه هاشمی گفته بود پدرش مایل است در صورت شرکت در انتخابات مورد پشتیبانی همه گروه‌ها قرار گیرد.

اما روز ۳۰ شهریور، حسین مرعشی بار دیگر احتمال شرکت رفسنجانی در انتخابات مجلس را مطرح کرد و گفت: حضور هاشمی رفسنجانی در مجلس ششم، کمک موثری به جریان اصلاح‌طلب است و اگر مصلحت کشور ایجاب کند قطعاً ایشان در انتخابات مجلس ششم شرکت خواهد کرد. جانشین دبیر کل کارگزاران سازندگی و نایب رئیس مجمع حزب‌الله مجلس افزود: بخشی از تندروهای جناح چپ سعی دارند القا کنند که حضور هاشمی رفسنجانی در مجلس، میان جبهه دوم خرداد اختلاف ایجاد خواهد کرد در حالی که چنین چیزی نیست. وی در پاسخ به این پرسش که نظر شما درباره تمایل جناح راست به حضور هاشمی رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم چیست، گفت: این که جناح راست به حضور هاشمی در مجلس ششم تمایل زیادی نشان می‌دهد، شاید به این دلیل است که آنان متوجه اشتباهات خود در مجلس چهارم و ایجاد انحراف در برنامه اصلاحات دولت آقای هاشمی شده‌اند. مرعشی در مورد سخنان سعید حجاریان مبنی بر اینکه نام کسی که در لیست جناح راست برای انتخابات مجلس ششم باشد در لیست طرفداران دوم خرداد قرار نخواهد گرفت، گفت: آقای حجاریان سخنگوی جبهه دوم خرداد نیست و ما به عنوان کارگزاران و مجمع حزب‌الله مجلس که خود را عضو جبهه دوم خرداد می‌دانیم، اصلاً چنین تصمیمی نگرفته‌ایم. جانشین دبیر کل کارگزاران سازندگی برخورد سعید حجاریان را در این زمینه نوعی گروه‌گرایی توصیف کرد.

## سردبیر روزنامه اخبار اقتصاد:

### قانون مطبوعات از بیخ و بن در حال تغییر است

عیسی سحرخیز، معاون مطبوعاتی سابق وزارت ارشاد و سردبیر روزنامه ((اخبار اقتصاد)) در گفتگویی با روزنامه ((مناطق آزاد)) گفت مجلس در حال تغییر قانون مطبوعات ((از بیخ و بن)) است. وی گفت: در کمیسیون مشترک ارشاد در مجلس بر روند محدودسازی طرح اصلاحی قانون مطبوعات افزوده شده است. وی گفت: اگر در حجم تغییرات دقت کنید، مشاهده می‌کنید قانون مطبوعات بسیار تغییر کرده است. سحرخیز گفت: در قانون جدید فشارها بر روزنامه نگاران و مطبوعات و اصحاب قلم بیشتر شده است. وی افزود: من پیش‌بینی می‌کنم که ما به زودی در صحن مجلس شاهد پیشنهادهای جدیدی برای محدودیت بیشتر مطبوعات خواهیم بود و آنچه در کمیسیون تصویب شد باز هم شدت پیدا خواهد کرد. این است که ما قانون مطبوعاتی خواهیم داشت که علاوه بر مدیر مسئول، سردبیر و دیگر دست اندرکاران روزنامه، اگر مطلب خطایی را چاپ کنند مجرم هستند. هیات منصفه جایگاه اصلی خود را از دست می‌دهد، با توجه به اینکه در قانون مطبوعات فعلی هیئت منصفه از جایگاه بالایی برخوردار است اما در قانون جدید، دادگاه مطبوعات از حالت فعلی خارج می‌شود.

به گفته وی این قانون به دادگاه انقلاب، دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه نیروهای مسلح نیز حق می‌دهد که روزنامه‌نگاران را به محاکمه بکشند. O

## به دنبال اظهارات جدید روح‌الله حسینیان صورت گرفت: اعترافات و افشاگری‌های تکان‌دهنده درباره قتل ده‌ها تن از مخالفین توسط وزارت اطلاعات

محمدرضا خاتمی: ((هشتاد و خورده‌ای)) نفر را کشته‌اند  
روح‌الله حسینیان: سعید امامی ده‌ها عملیات برون‌مرزی علیه مخالفان رژیم داشته است  
اکبر گنجی: پیروز دوانی را در شهریور ۷۷ به قتل رسانده‌اند

اظهارات جدید روح‌الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مهره کهنه‌کار اطلاعاتی جمهوری اسلامی پیرامون قتل‌های پاییز گذشته، به موجی از عکس‌العمل‌ها و پاسخ‌ها منجر شده که دم به دم گوشه‌های بیشتری از جنایات تکان‌دهنده دستگاه مخوفی را که سال‌ها بر این کشور حاکم است، افشا می‌کند. این اعترافات تکان‌دهنده از سوی کسانی که خود در حکومت هستند و از پشت‌پرده بسیاری از ماجراها خبر دارند، صورت می‌گیرد و این واقعیت همیشه مورد تأکید آزادی‌خواهان ایران را بار دیگر به اثبات می‌رساند که در پس قتل هر یک از مخالفان رژیم و آزادیخواهان ایران باید رد حکومت اسلامی را دید و وزارت اطلاعات این رژیم مسئول، طراح و مجری قتل تعداد بیشماری از فعالین سیاسی، رهبران احزاب و سازمان‌های مخالف و نویسندگان و شخصیت‌های فرهنگی و هنری کشور است.  
نوک کوه یخ جنایات در برابر دیدگان حیرت‌زده مردم آشکار شده است...

### ((هشتاد و خورده‌ای)) را کشته‌اند

محمدرضا خاتمی، برادر رئیس‌جمهور در یک سخنرانی در بوشهر در برابر اعضای ستادهای انتخاباتی محمد خاتمی سخنانی در این مورد گفته است که خبر کوتاه آن در آخرین شماره دوهفته‌نامه ((ایران فردا)) (شماره ۵۷) به چاپ رسیده است. محمدرضا خاتمی در بخشی از سخنان خود گفته است: ((این مملکت ده سال با روش سعید امامی اداره شده، یعنی هشتاد و خورده‌ای نفر را با این روشن کشته‌اند و چهار پنج تای آن در زمان آقای خاتمی اتفاق افتاده است و تصور هم نمی‌کردند که این طور بشود. فکر می‌کردند این پنج نفر هم مثل آن هشتاد و خورده‌ای خواهد بود و انتظار هم نداشتند آقای خاتمی بیاید و بگوید من تا ته آن هم می‌روم. یک مرتبه همه چیز به هم خورد. حداقل در این شاخه شکست خورده‌اند. این روش نمی‌تواند ادامه پیدا کند. در شاخه‌های دیگر این روش ادامه دارد، در شاخه‌های تبلیغاتی، فرهنگی و سیاسی‌اش هنوز این روش وجود دارد.

### اظهارات جنجالی حسینیان

روح‌الله حسینیان که سال‌ها در وزارت اطلاعات رژیم مسئولیت‌های مهمی داشته است و به گفته خود ((امنیتی‌ترین پرونده‌ها)) زیر دستش بوده است، در سخنرانی اخیر خود در مشهد (خلاصه این سخنرانی در همین شماره کار درج شده است)، از جمله پیرامون سعید امامی، معاون امنیتی وزارت اطلاعات در دوران آقای فلاحیان، گفته است: ((من نفی نمی‌کنم، من تحلیل خودم این هست که سعید امامی به احتمال خیلی زیاد در جریان این قتل‌ها بوده، چون سعید امامی واقعا اعتقادش این بود که مخالفین جمهوری اسلامی باید از دم تیغ گذرانده شوند و در این زمینه‌ها هم تجربه داشت. به هر حال کسی بوده که مسئول امنیت کشور بوده، مسئول امنیت وزارت اطلاعات بوده، شاید صدها عملیات برون‌مرزی علیه منافقین داشت... خیلی عملیات داشت و اعتقادش هم همین بود)). حسینیان در سخنان خود به مواردی از ((عملیات)) سعید امامی در کشتار مخالفین حکومت جمهوری اسلامی از جمله در اروپا و عراق اشاره کرده است، اما روزنامه ((صبح امروز)) که متن سخنان او را تقریباً به طور کامل منتشر کرده است، مواردی را که حسینیان به این عملیات پرداخته است، حذف کرده است.

### پیروز دوانی را کشته‌اند

در همین حال اکبر گنجی، روزنامه‌نگار، که به دنبال انتقاد به صحبت‌های حسینیان به عنوان ((مطلع)) به سازمان قضایی نیروهای مسلح احضار شد، در مقاله‌ای به نام ((عالیجناب خاکستری)) نوشت پیروز دوانی را نیز ((محفل سعید امامی)) به قتل رسانده است. به نوشته این روزنامه‌نگار ((پیروز دوانی در سوم شهریور ۷۷ مفقود و در پایان شهریور به قتل رسید، به دنبال آن مجید شریف، داریوش فروهر و همسرش، محمد پوینده و محمد مختاری به قتل می‌رسند)).

### فهرست بی‌پایان و تکان‌دهنده

اکبر گنجی در این مقاله به موارد دیگری از قتل روشنفکران و مخالفان رژیم اشاره کرده است که پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ صورت گرفته است:

سعیدی سیرجانی در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۷۲ توسط ((محفل اطلاعاتی سعید امامی)) دستگیر می‌شود و در تاریخ ۶ آذر ۱۳۷۳ در یکی از ((خانه‌های امن سعید امامی)) به قتل می‌رسد. یکی از اعضای وزارت اطلاعات که شاهد قتل سعیدی سیرجانی توسط سعید امامی بوده است، بعدها مشاهدات خود را برای یکی از نمایندگان خامنه‌ای تعریف کرده است. به این ترتیب آقای خامنه‌ای حتی

اگر از ابتدا نیز در جریان این قتل نبوده است، اما بعد از آن در جریان قرار گرفته است. واکنش او چه بوده است؟ مهندس براننده در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۷۳ در مشهد ناپدید می‌شود و یک روز بعد جنازه وی در محلی در وکیل آباد این شهر پیدا می‌شود. مهندس براننده، از افراد مذهبی منتقد به رژیم بوده است.

مهندس احمد میرعلایی در تاریخ دوم آبان ماه سال ۱۳۷۴ به دست سعید امامی به قتل رسیده است. غلامحسین میرزا صالح، که خود مدتی در وزارت اطلاعات بازداشت بوده، در نامه‌ای به اکبر گنجی نوشته است: ((هنوز قلب احمد میرعلایی به خاک سپرده نشده و در پزشکی قانونی است))!

دکتر احمد پورتفضلی استاد دانشگاه، نصرالله پورجوادی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرامون مرگ او نوشته است: ((تفضلی در روز ۲۴ دی ماه ۱۳۷۵، هنگامی که با اتومبیل

از دانشگاه به خانهاش می‌رفت، ساعت دو بعدازظهر در نزدیکی خانهاش در شمیران ناپدید شد و دوازده ساعت بعد جنازه او را با مجسمه شکسته و استخوان‌های از جا در رفته و شکسته و بدن خونین و مجروح در جاده‌ای دورافتاده در اطراف تهران پیدا مسئولین رژیم در آن زمان اعلام کردند که وی بر اثر تصادف کشته شده است. اطلاعات بعدی نشان داد که ماموران وزارت کردند)).

اطلاعات در جریان قتل او، نسخه آماده آخرین کتاب او را که قرار بود به دست چاپ سپرده شود نیز ربوده‌اند. اکبر گنجی در ادامه این فهرست تکان دهنده، به قتل غفار حسینی در آبان ماه سال ۱۳۷۵، ((و. صانعی)) که با یک موسسه پژوهش‌های تاریخی همکاری داشت و بعد از چندین بار احضار به وزارت اطلاعات همراه با همسرش ناپدید شد و بعد از چندی جنازه هر دوی آن‌ها کشف گردید و همچنین قتل ابراهیم زال‌زاده که در تاریخ ۵ اسفند ۷۵ ناپدید و در فروردین سال ۷۶ به قتل رسید، اشاره می‌کند.

گنجی در ادامه مقاله خود به ((صدها عملیات برون‌مرزی)) سعید امامی اشاره می‌کند و می‌پرسد: ((وقتی پس از ماه‌ها و بلکه سال‌ها برنامه‌ریزی قرار می‌شد تا یکی از روسای جمهور کشورهای مهم اروپایی به ایران سفر کند، کدام منافع سیاسی و توجیه اقتصادی سعید امامی را مجاب می‌کرد با ترور یکی از مخالفان در کشور مذکور، سفر را لغو و روابط ایران و کشورهای اروپایی را به شدت تیره نماید؟))

### علی فلاحیان همچنان ساکت است

در حالی که اظهارات جدید روح‌الله حسینیان، بار دیگر موضوع قتل‌های مخالفان رژیم و نویسندگان کشور توسط وزارت اطلاعات را به موضوع زنده‌ای تبدیل کرده و بسیاری از روزنامه‌ها خواهان توضیحات علی فلاحیان رئیس مستقیم سعید امامی و کسی که در دوران وزارتش ده‌ها نفر از مخالفین توسط وزارت اطلاعات به قتل رسیده‌اند هستند، وی همچنان از هر گونه توضیحی پیرامون مسئولیت خویش امتناع می‌کند. او در ماه‌های گذشته، تنها یک بار به سخن آمد و گفت: اگر وزیر قرار باشد پاسخ دهد، به همراه رئیس خود باید حاضر شود. سخن او اشاره‌ای به مسئولیت رفسنجانی در جریان این قتل‌ها بود و پیامی روشن داشت که پیگیری آمرین قتل‌ها، به او محدود نخواهد ماند. وی پس از سخنان اخیر حسینیان، در یک مصاحبه با روزنامه قدس تنها به گفتن این نکته بسنده کرد که ((در زمانی مناسب)) سخن خواهد گفت.

سکوت فلاحیان اما مانع از آن نیست که روزنامه‌های طرفدار دوم خرداد، از تلاش خود برای کشاندن او به دادگاه و محاکمه دست بردارند. روزنامه صبح امروز همزمان با انتشار متن سخنان حسینیان نوشت: ((سخنان جدید روح‌الله حسینیان نه باعث فراموشی شهروندان می‌شود و نه موجب فرار فلاحیان از پاسخگویی. مساله اصلی فلاحیان و اقدامات اوست.

### کشتی سوراخ شده!

روزنامه اخبار اقتصاد در روز چهارشنبه ۳۱ شهریور به ارزیابی از سخنان حسینیان پرداخت و پیام اصلی او را چنین عنوان کرد: ((پیام اصلی حاکم بر تمامی سخنرانی حسینیان در مدرسه شهیدین فقط یک کلام است: او با اشاره به این که در هیجده سال گذشته امنیتی‌ترین پرونده‌ها را بررسی کرده و از شکنجه و قتل زندانیان در این سال‌ها سخن گفته است، می‌خواهد بگوید اگر قتل‌های زنجیره‌ای را دنبال کنید و فقط گروه سعید امامی را مجرم بشناسید، من اسرار قتل و شکنجه ۱۰ ساله را به عنوان فردی که در کنه دستگاه اطلاعاتی، قضایی بوده‌ام افشا می‌کنم و آنگاه خواهید دید که همه مجرمند. او به زبان خاص خویش اخطار می‌کند که کشتی را سوراخ کرده و تمام سرنشینان آن غرق خواهند شد، بنابر این او می‌خواهد هزینه پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای را برای کل نظام آن قدر بالا ببرد که همه را ناگزیر از خودداری کند))!

به راستی با کدام منطق می‌توان پذیرفت که ((مساله اصلی)) تنها فلاحیان و اقدامات اوست؟ آیا همان قدر که فلاحیان در برابر معاون خود سعید امامی مسئول است، رئیس آقای فلاحیان در برابر اقدامات او مسئول نیست؟ در این سیستم جنایتکارانه، دامن کدام یک از مسئولین می‌تواند پاک مانده باشد؟ حسینیان این واقعیت را می‌داند و به تهدید مستقیم ((آمرین)) اصلی پرداخته است. پرسش تعیین‌کننده همچنان این است: آیا حسینیان موفق خواهد شد یا او نیز چون زیاد می‌داند به سرنوشت یار دیرینش سعید امامی دچار خواهد گردید؟

## ۲۱ نفر از دانشجویان در تبریز به زندان محکوم شدند

رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی آذربایجان اعلام کرد بیست و یک نفر از ((مسببان و عوامل)) حادثه ۲۰ تیر ماه در دانشگاه تبریز توسط دادگاه انقلاب این شهر به زندان‌هایی از ۳ تا ۹ ماه محکوم شده‌اند. در حالی که دانشجویان، و از جمله دانشجویان وابسته به انجمن‌های اسلامی، در چندین اطلاعیه، حمله عوامل فشار و نیروهای انتظامی به دانشگاه را عامل حوادث خونین این شهر ذکر کرده‌اند، رئیس دادگاه‌های انقلاب آذربایجان شرقی مدعی شد: ((عده‌ای سودجو و وابسته به گروه‌های سیاسی و جریان‌های ضدانقلاب آن روز به جمع دانشجویان پیوستند و با سواستفاده از جو موجود، آن را به آشوب کشیدند)). وی گفت احکام صادره علیه دانشجویان با ((ارفاق و اخلاق اسلامی)) صادر شده است. به گفته وی از میان کسانی که توسط دادگاه به زندان محکوم شده‌اند، ۱۲ نفر دانشجویان و بقیه ((اشرار صاحبان مشاغل آزاد طرفدار منافقان، فرصت‌طلبان و وابستگان به نهضت آزادی)) هستند. رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی ((عوامل اصلی و مهم)) حادثه دانشگاه تبریز را ۹ نفر اعلام کرد و گفت: احتمالاً چهار نفر دیگر به تعداد عوامل اصلی آشوب که حامل سلاح بودند، اضافه خواهند شد)). احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی تبریز، با اعتراض دانشجویان مواجه شده است. آن‌ها می‌گویند در حالی که مهاجمین و نیروهای انتظامی که فاجعه را آفریدند و دانشجویان را به گلوله بستند، همچنان آزادانه می‌گردند و مورد حمایت مقامات قضایی استان قرار دارند، محکوم کردن دانشجویان، نشانه آشکار آن است که دادگاه‌های جمهوری اسلامی در کدام طرف ایستاده‌اند.

### وزارت اطلاعات: ((گروه‌ها)) در حادثه کوی دانشگاه دخالت نداشته‌اند

وزارت اطلاعات با انتشار اطلاعیه جدیدی اعلام کرد که بر اثر تحقیقات انجام شده از سوی این وزارتخانه، هیچ یک از گروه‌های ((خودی و غیرخودی))، در حادثه شب جمعه کوی دانشگاه دخالت نداشته‌اند و تظاهرات به ابتکار دانشجویی به نام فرخ شفیعی آغاز شده است. در این اطلاعیه آمده است: هر چند گروه‌های سیاسی مشغول رایزنی در مورد نوع و اکنش خود در برابر تصویب قانون مطبوعات و تعطیلی سلام بوده‌اند، اما تظاهرات دانشجویان پیش از به نتیجه رسیدن این رایزنی‌ها شروع شده است. وزارت اطلاعات هیچ اطلاعی در مورد سرنوشت و وضعیت فرخ شفیعی در اختیار افکار عمومی قرار نداده است. وی در از جمله دستگیرشدگان است.

### محمدعلی جواهری سندیکالیست قدیمی درگذشت

جنبش سندیکایی ایران یکی از رهبران با سابقه خود را از دست داد. رفیق محمد علی جواهری یکی از مبارزان جنبش کارگری و سندیکایی و شخصیت فرهنگی جنبش سندیکایی که تمام عمر پربار خود را صرف خدمت به زحمتکشان کرده بود، در سن ۹۰ سالگی در روز چهارشنبه ۲۴ شهریور ماه در شهر پاریس درگذشت و روز دوشنبه ۲۹ شهریور با حضور مسئول روابط بین‌المللی و تعدادی از مقامات سندیکایی (ث. ژ. ت) فرانسه و عده‌ای از یاران و دوستانش خاک سپرده شد. رفیق جواهری یکی از پیش‌کسوتان جنبش سندیکایی، از رهبران شورای متحد مرکزی و عضو هیئت تحریر روزنامه ظفر ارگان شورای متحد مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران بود. بدنبال سرکوب جنبش کارگری و سندیکایی بوسیله رژیم دیکتاتوری و وابسته شاه، رفیق جواهری مجبور به ترک میهن خود شد و فعالیت‌های سندیکایی و فرهنگی خود را در خارج از کشور بطور فعال ادامه داد. او علاوه بر رهبری کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران تا زمانی که هنوز کهولت سن و بیماری بر او چیره نگشته بود، دبیر بخش خاورمیانه فدراسیون سندیکایی جهانی بود و در این سمت هم در میان سندیکاهای خاورمیانه و منطقه و هم در میان شخصیت‌های سیاسی اجتماعی ترقیخواه منطقه از مقبولیت و احترام ویژه‌ای برخوردار بود. رفیق جواهری به موازات فعالیت سندیکایی خود در عرصه نویسندگی، شعر و طنز نیز شخصیتی توانا بود و از او آثار ارزشمندی بجای مانده است. ما درگذشت مبارز پرشور، وفادار و پرسابقه جنبش سندیکایی ایران رفیق محمد علی جواهری را به همه مبارزین و علاقمندان جنبش سندیکایی بخصوص به همسرش رفیق ژاکلین که خود از رهبران جنبش سندیکایی است و همچنین فرزندانش تسلیت گفته و آرزو می‌کنیم که آرزوهای عمیقاً انسانی این مبارز که تمام زندگی خود را وقف تحقق آنها کرد روزی جامه عمل به خود گیرد.

**کمیسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

۷۸/۶/۲۹



## با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90  
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>  
[fadai.aksariyat@magnet.at](mailto:fadai.aksariyat@magnet.at)

آدرس کار در اینترنت :  
آدرس پست الکترونیکی :

**I.G.e.v** : آدرس پستی  
**Postfach 260268**  
**50515 Köln**  
**Germany**

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان  
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک  
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

### فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک :  
مدت اشتراک : شش ماهه  یک ساله  تاریخ :

Name: ..... نام :

Address: ..... نشانی :

.....  
.....  
.....  
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)  
به آدرس فوق پست کنید!

**I.G.e.v** : دارنده حساب  
**22 44 20 32** : شماره حساب  
**37 05 01 98** : کد بانک  
**Stadtsparkasse** : نام بانک  
**Köln**  
**Germany**